

بخش هشتم



تهیه و تنظیم:
مهندس اکبر شبیرزاده

پژوهشی در نساجی ایران دوران قاجار

تصویر شماره ۲ میرزا تقی خان امیرکبیر



پشمی ساده و نوار اطراف لبه‌های لباس دیده می‌شود. در پایین تصویر القاب امجد معظم وزیر اشرف مفخم اتابک اعظم شخص اول ایران میرزا تقی خان امیرنظام در سن چهل و پنج سالگی را نشان می‌دهد. تصویر شماره ۴، مراسم تاج‌گذاری و بر تخت نشستن ناصرالدین شاه را نشان می‌دهد که خود شاه نیز از پارچه انگلیسی در هر دو تصویر استفاده کرده و در تصویر سمت چپ، در زیر کت پارچه ترمه پوشیده است. تفاوت لباس کاملاً مشهود می‌باشد. در لباس تاج‌گذاری، ردیف‌های مرورید برای تزئین لباس مورد استفاده قرار

چندی بعد پس از طی مراحل خدمات صادقانه ملقب به وزیر نظام (رئیس اداره تدارکات دارایی حمل و نقل و سر رشته داری لشکر آذربایجان) در آن زمان شد. میرزا جعفرخان خورموجی ملقب به حقایق نگار در کتاب حقایق الاخبار می‌نویسد: «چون امیرنظام از حسن رأی و کمال فطنت او اعتماد تمام حاصل کرد، به منصب وزارت نظام سرفرازش گردانید.»

در تصویر شماره ۲، لباده بلند نواردوزی‌های بسیار ظریف تا لبه پایین نیز ادامه دارد. لبه‌های آستین نیز تزئین شده‌اند. میرزا تقی خان در سال ۱۲۵۳ هجری قمری به امر محمدشاه با ناصرالدین میرزا به تفلیس و ایروان رفت که نیکلای اول -امپراتور روسیه- به نواحی قفقاز آمده بود. محمدخان امیرنظام و حاج ملامحمود نظام العلماء و عیسی خان نیز از جمله همراهان ولیعهد بودند. امپراتور از محمدخان احوال میرزا تقی خان را می‌پرسد.

وی پاسخ می‌دهد سابق مستوفی نظام بود و اینک وزیر نظام است. وی هنگام سفارت خسرومیرزا به حضور امپراتور رسیده بود. امپراتور می‌گوید: «شکر خدا را که دیگر بار رفیق خود را ملاقات کردم» در هنگام بخش تحف امپراتور برای او انقیهدان طلای مرصعی فرستاد.

در سال ۱۲۶۴ قمری، محمدشاه درگذشت و قرار شد ناصرالدین شاه از تبریز به تهران آمده و شاه شود اما پولی برای حرکت شاه جوان در بساط نبود.

میرزا فضل اله نصیرالملک علی آبادی از عهده این کار برنیامد. میرزا تقی خان وزیر نظام، وسایل کار را از هر حیث فراهم آورد و شاه را آبرومندان به طرف تهران حرکت داد. تصویر شماره ۳، میرزا تقی خان امیرکبیر را نشان می‌دهد که به صورت القاب در اطراف آن دیده می‌شود. هنوز لباس

میرزا تقی خان امیرکبیر در ابتدا، لباس پشمی انگلیسی برای رعایت حال درباریان می‌پوشید. در تصویر شماره ۱، پارچه انگلیسی را به صورت نواردوزی شده لبه یقه‌ها و لبه آستین‌ها پوشیده است.

چون قائم مقام در ناحیه احوال میرزا تقی خان، آثار رشد و شمایل شهامتی دیدار کرد او را در اعداد نویسندگان خویش محسوب نمود و از آن پس چندی در سلک محررین محمدخان زنگنه امیرنظام گردید. به سبب جوهر ذاتی و کاردانی به اندک مدت از امثال و اقران خویش، به مناصب بزرگ رسید.

مدتی از لشکر نویسان بود و در سال ۱۲۵۱ هجری قمری به شغل مستوفی نظام در لشکر آذربایجان منصوب و ملقب گردید.



تصویر شماره ۱. میرزا تقی خان امیرکبیر

تصویر شماره ۳. میرزا تقی خان امیر کبیر



تصویر شماره ۴. ناصرالدین شاه



گرفته و نشان می‌دهد که ابهت لباس فقط به وسیله تزئینات، تکمیل شده و چندان زیبا نیست حتی در مقایسه با لباس پادشاهان قبلی، مقدار زیادی کمبود در نمونه لباس دیده می‌شود.

لقب اتابک در این دوره از ابتکارات امیر کبیر است که نظر به جوانی شاه این لقب نیمه پدرانه و نیمه استقلال طلبانه را برای خود صادر کرده است.

پس از ازدواج با عزت‌الدوله خواهر تنی شاه از طرف مهدعلیا- مادر شاه- هم آسوده خاطر شد و به اصلاح خرابی‌ها در مورد وضعیت آشفته کشور که اواخر دوره محمد شاه و صدارت حاج میرزا آغاسی به اوج خود رسیده بود، پرداخت.

وی امور از هم پاشیده مملکت و آشوب و طغیان ملوک الطوایفی که به دلیل ضعف محمدشاه و عدم کفایت میرزا آغاسی در هر سمت مملکت سر برکشیده بود را خاموش و حکومت مختلف را مبدل به حکومت واحد مرکزی نمود؛ سپس اصلاحات کلی در بودجه (درآمد و هزینه) اعمال کرد و در این زمینه‌ها موفقیت‌های شایانی به دست آورد.

رضا قلی خان هدایت در فهرست التواریخ می‌نویسد: «امیر کبیر در تمام صفات پسندیده که در خور صدارت و امانت است، سرآمد اقران بود. جز این‌که رعایت جوانی شاه را که تاب بعضی درستی‌ها را نداشت، ولو به مصلحت نمی‌کرد.

به رشوه و عشوه کسی فریفته نمی‌شد. و بزرگ‌تر خدمت امیر نظام تعدیل بودجه و تنظیم نظام و تاسیس دارالفنون

بود که آن دو به اصلاح بدن ملک بود و این یکی ترمیم روح. در مجلسی ذکر شد خوب است بستن قمه قدغن شود. امیر گفت هر که خواهد قمه ببندد اما آنکه تیغ از غلاف بیرون آورد که خواهد بود؟»

۵ ربیع‌الاول ۱۲۶۸ هجری قمری، صدنفر شاگرد، شاهزادگان و خوانین را میرزا محمد علی خان وزیر خارجه به حضور ناصرالدین شاه برد و معرفی کرد.

در این تاریخ میرزا محمد علی خان شیرازی وزیر خارجه برادر زاده میرزا ابوالحسن خان معروف به ایلچی، رئیس دارالفنون بود و او اول کسی است که با داشتن سمت وزارت خارجه، رئیس دارالفنون نیز بوده است.

امیر کبیر معلمان از اتریش، فرانسه و ایتالیا برای تدریس طب و جراحی، داروسازی، حکمت طبیعی، علوم نظامی، مهندسی و معدن شناسی استخدام نمود و چون دولت اتریش، منافع و نظرات سیاسی در ایران نداشت، بیشترین معلمان از این کشور انتخاب شدند.

پس از انتخاب معلم‌ها، محمد ابراهیم نقاش‌باشی به دستور شاه تصویری از امیر کبیر نقاشی کرد که در این تصویر وی با نشان‌ها دیده می‌شود.

محمدحسن خان اعتماد السلطنه مولف کتاب صدرالتواریخ در حمایت امیر کبیر از صنایع داخلی می‌نویسد: «میرزا تقی خان امیر نظام، برحسب معاهده تجارتي که با دولت‌های بسته شده بود از آوردن اجناس آن‌ها به ایران منعی نمی‌کرد؛ ولی به حرکات و عادات خود طوری سلوک می‌داشت (وانمود می‌کرد) که جنس خارجه را مردود

می‌ساخت و کسی خریدار نمی‌شد. غالباً البسه خود را به پارچه‌هایی قرار می‌داد که در ایران می‌یافتند.

به این واسطه مردم به او تأسی و اقتدا کرده، سبک ایرانیت و رواج جنس مملکت خود را از دست نمی‌دادند و ترقی ملک و ملت و پیشرفت صنعت اهل حرفت را به رنگ‌های زرد و سرخ خارجه که اعراض صرف است تبدیل نمی‌کردند. متاع مملکت خود را می‌خریدند که همیشه درم و دینارشان به دست خودشان دایر و سایر باشد و به خارجه نرود که خود بعد از چندی سرگردان و معطل باشند.

امیر در این فقره جد و جهد بلیغ داشت. اهل کاشان و اصفهان و خراسان در شعربافی خود بر عهد امیر خیلی ترقی کردند؛ ولی فرمایش داد که به جای شال کشمیری که قیمتش به کیسه دیگران عابد می‌شود در کرمان شالی بیاوند که منسوب به امیر نمایند.

اهل کرمان شال‌های مسمات (نامیده شده) به امیری یافتند که قیمت بعضی از آن طاقه‌ای به صد و شصت تومان رسید و از شال کشمیری برتری جست و الحق نیکو از عهده برآمدند.

هر طاقه شال امیری متداولی و معمولی به سی تومان و چهل تومان قیمت می‌رسید و اکنون از آن شال‌ها هنوز در ایران باقی است و تا چند سال دیگر اسمی از امیری مانده، رسمی نخواهد داشت از آن که بعد از رحلت امیر دیگر به آن ترتیب کار نمی‌کنند و در آن دستگاه شال امیری نمی‌یافتند.

وقتی که امیر با موکب همایونی از اصفهان به طرف تهران

تصویر شماره ۷. میرزا تقی خان امیر کبیر



کاشان اقدام به تأسیس کارخانه ماهوت سازی و دادن دستورات لازم در این خصوص به نماینده ایران در اتریش و صدور امریه ای مبنی بر ایجاد نمایشگاهی از محصولات صنعتی ایران در تهران کرد که همه اینها علامت درک صحیح امیر کبیر از قوانین درونی اقتصاد سرمایه داری که در جهت نابود ساختن صنایع یدی عمل میکرد، است. او عده زیادی از خبرگان و استادکاران را برای آشنایی با فنون و صنایع جدید به مسکو و پترزبورگ فرستاد. اینها پس از بازگشت به ایران کاغذ گرخانه اصفهان، بلور سازی تهران و کارگاههای چدن ریزی و نساجی را در ساری به وجود آوردند.

از سوی دیگر در پرتو حمایت و هدایت امیر رشته هایی از صنایع دستی که قابلیت توسعه را داشتند چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت و مرغوبیت در راه تحولات اساسی افتادند؛ چنانکه شالهای کرمانی معروف به شال امیری به چنان نفاستی از بافت و از لحاظ جنس رسید که از شالهای کشمیری پیش افتاد و شال جوغان پشمین مازندران که به دستور امیر به جای ماهوت خارجی به لباس سربازان اختصاص یافت تولید وسیع و با ارزشی پیدا نمود. امیر کبیر با پوشیدن لباس ترمه، سرمشق درباریان شد و کار را به جایی رساند که برای برتری همه درباریان مجلس به ترمه شده و بازار پارچه بافان بار دیگر رونق گرفت.

تصویر شماره ۷، لباس ترمه امیر کبیر را نشان می دهد که کاملاً بافت و دوخت ایران بود.

تصویر شماره ۸، اعضای دولت را نشان می دهد که بعد از

تصویر شماره ۶. میرزا تقی خان امیر کبیر



ساعت سازی، تفنگ سازی، زرکشی و زردوزی، خیاطی، ملیله سازی... و داشت. وی در روزنامه «وقایع اتفاقیه» به همگان خبر داده بود که هر کسی کار بدیعی در صنعت انجام بدهد پادشاه می گیرد؛ «مکنون خاطر دولت آن است که عموم ارباب حرفه و صنعت در شغل و کسب خود ترقی داشته باشند و هر یک که صنایع بدیعه که به کار آید، احداث کند، مورد نوازش و التفات واقع می شوند»

در آن زمان پارچه های آلمانی و بلژیکی به فراوانی وارد کشور می شد و انگلیسی ها نیز از بازار پارچه ایران بهره های زیادی می بردند.

انگلیسی ها حاضر به فروش کارخانه و آموزش ایرانیان و ارسال متخصص نشدند. با رد درخواست امیر از سوی انگلیسی ها، او شش تن از صنعتکاران ایرانی را به روسیه فرستاد تا در رشته های گوناگون تحصیل کرده و فن بیاموزند و دو تن را نیز به عثمانی روانه کرد تا در استامبول، حریربافی بیاموزند و از آنجا که در کاشان این کار رواج داشت آن دو تن از اهالی کاشان انتخاب شدند.

میرزا تقی خان به منظور بسط صنایع، سرمایه کافی در اختیار اهل فن گذاشت و کارخانجات شکرریزی در ساری و ریسمان رسی و چلواربافی در تهران و حریر بافی در کاشان و سماور سازی و کالسکه سازی در اصفهان و تهران تأسیس کرد.

وی با تشویق استادان در ایجاد مسنوجات و مصنوعات جدید و انجام اختراعات در این زمینه ها در اصفهان و

تصویر شماره ۵. عزت الدوله، همسر امیر کبیر



می آمدند، در قم توقیف کردند و در آن قلیان بلور از انگلیس می آوردند و یکی پنج تومان می فروختند و نهایت آب و تاب و صفا و بها داشت و اعیان به آن قلیان ها مجلس خود را باشکوه می داشتند و مباحث می کردند. هنگام توقف به قم کوزه گران قلیان سفالی ساخته، به حضور آوردند و سرهای گلی بر آن گذاشتند.

امیر فرمود که همان قلیان ها را چاق کنند و در مجلس آرند و استعمال نمایند. همین قدر در آن روز گفت که این قلیان های گلی خوب چیزی است و استعمال آن دور از بلور تراش انگلیسی دیده نشد. همگی بنا به متابعت او عادت خود را بر شرب قلیان های سفالی قرار دادند و رفته رفته این کار شیوع یافت و اکنون کار به جایی رسیده است که اعیان و اشراف و غیرهم به هر جا که وارد می شوند امر به آوردن قلیان کوزه و سفال کرده، از روی حقیقت آن ها را بهتر از قلیان بلور و چینی می دانند و قیمت قلیان بلور و چینی خارجه در ایران تنزل کرده.

اکنون در همه جا قلیان سفال استعمال می شود و قلیان های سفالی لعاب دار ساده و برجسته که الوان گوناگون دارد، در این زمان نهایت مرغوبی و امتیاز را دارند و جمعی به کسب همین کار اشتغال داشته، گذران می کنند.»

امیر کبیر یک مرکز حرفه آموزی با نام «مجمع الصنایع» هم در تهران تدارک دید که برای آموزش و ترویج فنون و هنرهای دستی و ظریف بود و در غرب سبزه میدان که بعدها به بازار توتون فروش ها معروف شد با ۱۳۴ استاد و ۹۵ شاگرد افتتاح شد و حجره هایی از قبیل کالسکه سازی،



تصمیم گیری امیر کبیر به پوشیدن لباس پشمی ایران آنها هم مبادرت به استفاده از این نوع لباس کردند.

پس از آنکه امیر کبیر دستور تهیه شال‌های ترمه را به کارگران و هنرمندان طراح داد، مواردی از تهیه پارچه‌های مرغوب را هم به آنها متذکر شد و سفارش نمود که خود را همپای تولیدکنندگان اروپایی قرار داده و از کارهای آنها بهره‌برداری نمایند تا به درجه‌ای از مهارت و کیفیت برسند که آماده رقابت‌های بین‌المللی شوند.

صنعتگران اصفهانی، کاشانی و یزدی که اهم کار آنها تولید پارچه‌های پشمی و ترمه بود، از پارچه‌های اروپایی برداشت‌های بسیار جالبی به عمل آوردند.

ابتدا سطح پارچه‌های خود را که کمی خشن و زبر بود (که آن هم به واسطه مصرف نوع پشم ایرانی بود و خشن‌تر و دارای فلس‌های بیشتری نسبت به پشم استرالیایی مریئوس داشت) را اصلاح کرده و به وسیله شست‌وشوی بیشتر و مجاورت با چوبک - نوعی شوینده گیاهی - و اشتهون - نوعی ساینده گیاهی - سطح پارچه‌ها را تمیزتر کرده. سپس پارچه پشمی را برای ضد بید کردن در محلول‌های رایج آن زمان مانند آب تنباکو وارد می‌نمودند. در مرحله بعدی پارچه‌ها را در هوای آزاد پارچه پهن کرده و خشک می‌کردند. سپس مرحله نهایی تکمیل پارچه یعنی بخار دادن پارچه پشمی انجام می‌شد. در نهایت مثل پارچه‌های اروپایی آنها را با کرباس کاور کرده و به بازار می‌فرستادند.

طراحان پارچه برای اعمال ابتکارات جدید در نوع طراحی و بافت پارچه از طرح‌های سرژه ساده و تداخل آنها به صورت

یک در میان و یا دو در میان با طرح‌های سرژه مرکب پشت و روی، پارچه را به اصطلاح بزک می‌کردند و ترمه‌های جدیدی ارائه نمودند که خارجی‌ها از این کار عاجز بودند. در ادامه به این فکر افتادند که ماشین‌های بافندگی طراحی کنند تا بتوانند تعداد لنگه وردهای بیشتری را حرکت داده و پارچه‌های مرکب و بزرگ شده را بیافند هر چند این کار به سرمایه و زمان زیادی نیاز داشت اما باعث شد برای مدتی پارچه‌های ایرانی از نظر بافت و طراحی از سایر پارچه‌های موجود در بازار پیشی بگیرد.

آنها تصمیم گرفتند در طرح پرده‌ها و رومبلی و رویه‌های صندلی هم ابتکاراتی انجام دهند و طرح‌های نواری در اطراف بته جقه‌ها ایجاد کرده و سطح جدیدی به وجود آوردند آن هم در زمانی که هنوز در اروپا، ژاکارد اختراع نشده بود و از عهده انجام چنین کاری بر نمی‌آمدند ولی ایرانیان چون به وسیله دستگاه‌های دستی، عمل بافت را انجام می‌دادند با اضافه کردن کارگر در بالای دستگاه بافندگی، حرکت نخ‌های تار را کنترل و ایجاد تنوع در پارچه را امکان‌پذیر می‌کردند اما عیب کار سرکت کم تولید بود که با افزایش تعداد کارگران نهایت تلاش خود را برای رفع این مشکل به کار می‌بستند. در همین زمان صنعتگران ایرانی دست به ابتکاری زدند که اروپائیان به هیچ عنوان از عهده‌اش بر نمی‌آمدند و آن تولید پرده‌های دو رو بود که نقش تولید شده در روی پرده در دو طرف یکسان می‌نمود و دارای ارزش بسیار بالایی هندی بود.

میرزا بابا به امر یکی از فرزندان شاهزاده عباس میرزا نایب السلطنه و اولین محصلی است که به اتفاق محصل دیگر

(محمد کاظم پسر نقاش باشی نایب السلطنه) در سال ۱۸۱۱ برای تحصیل طب و نقاشی به اروپا اعزام شدند.

عباس میرزا قصد داشت عده‌ای را برای فراگرفتن علوم جدید به همراهی سفیری که به لندن فرستاده می‌شود، روانه انگلیس نماید چون انتخاب و فرستادن سفیر به تأخیر افتاد، هنگامی که سر هارفورد جونز - وزیر مختار انگلیس - در سال ۱۸۱۱ به حضور عباس میرزا در تبریز رسید وقتی تمایل فراوان وی را به فرستادن محصل به فرنگ دید، متقبل شد که دو نفر از جوانان ایرانی را با خود به لندن ببرد. هنگام رهسپار شدن به لندن، عباس میرزا به سر هارفورد جونز می‌گوید: «این دو نفر را به تحصیل گمارید که برای من و خودشان و مملکتشان مفید باشند.»

چون محمد کاظم در نقاشی، استعداد فوق‌العاده‌ای داشت به محض ورود او را نزد اساتید فن نقاشی گذاشتند و میرزا حاجی بابا هم پس از آموختن مقدمات در دانشگاه برای رشته طب اعزام شد.

در تصویر ۹، محمودخان ناصرالملک مشاهده می‌شود. تکه‌دوزی‌های بسیار زیبا روی لباس، لبه آستین‌ها و جلوی لباس با نشان‌ها و کمر بند زرین تزئین شده‌اند.

ناصرالملک حاکم گیلان بود و در سفر دوم ناصرالدین شاه همراه وی بود و از سال ۱۲۹۹ تا اواخر سال ۱۳۰۰ قمری بر گیلان حکومت کردستان و کرمانشاهان را عهده‌دار بود. پس از درگذشت میرزا سعیدخان انصاری، مومتن الملک وزیر امور خارجه با مساعی انگلیسی‌ها وزیر خارجه شد اما انگلیسی‌ها بیش از همه به صدارت ناصرالملک متمایل بودند و در نهایت موفق هم شدند.